

آنچه از مشورت اخیارظاهر شود هُوَ حُكْمُ اللَّهِ الْمُهِيمِ الْقَيُّومِ".

(ص ۱۱۲ ج ۸ مائده آسمانی ط ۱۲۱)

عنوان: مشورت باید مقصدش تحری حقیقت باشد

قسمت روحانی

۱-مناجات شروع

۲-ذکر دسته جمعی (۵ بار) "ای کریم این عبد را به خود وامگذار"

۳-مجموعه نصوص حضرت بهاءالله

۴-مجموعه نصوص حضرت عبدالبهاء

قسمت اداری

۵-خطابه مبارک حضرت عبدالبهاء

۶-قسمتی از بیانیه رفاه عالم انسانی

۷- مشورت بهترین راه ایجاد مشارکت عمومی

۸-مشورت به قلم خانم گیل

۹-شور و مشورت: با توجه به اینکه در روند حقیقت پژوهی امر مشورت ابزاری بسیار مفید است

الف:چه عواملی رادر مشورت به عنوان عوامل بازدارنده و

ب: چه عواملی را به عنوان اسباب تسریع کننده درروند نیل به حقیقت مؤثر می دانید.

۱۰- برنامه اطفال و نوجوانان

قسمت اجتماعی

۱۱-الف و پذیرائی

۱۲-مناجات خاتمه

۱- مناجات شروع از آثار حضرت عبدالبهاء جَلَّ ثَنَاؤُهُ

هو الله

ای پروردگار، این جمع را مظهر عواطفِ رحمانیّه فرما و مطالعِ الطافِ سبحانیّه نما. از بحر بی کران، سیراب کن و از آفتابِ مَطْلَعِ حقیقت، روشن و تابان نما. فیضی بخش که انوارش در صبح ابدی منتشر؛ عنایتی کن که آثارش در مُلکِ سَرمدی مشتهر. توئی مقتدر و توانا و توئی بخشنده و مهربان. اِنَّكَ اَنْتَ الْكَرِيمُ الْمُتَعَالِ . ع ع

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالبهاء چاپ آلمان ص ۲۱۲

۳- مجموعه نصوص حضرت بهاءالله

"مشورت بر آگاهی بیفزاید و ظنّ و گمان را به یقین تبدیل نماید. اوست سراج نورانی در عالمِ ظلمانی . راه نماید و هدایت کند. از برای هر امری مقام کمال و بلوغ بوده و خواهد بود و بلوغ و ظهور خرد بمشورت ظاهر و هویدا". (ص ۶۰ ج ۸ مائده آسمانی ط ۱۲۱ بدیع)

و نیز می فرمایند:

"آسمان امن و امان به مرقاة مشورت معلّق انشاءالله در جمیع احوال اهل الله به او متمسک باشند...شاوروا فی الامور متوکلین علی الله المهیمن القیوم"

امروخلق ج ۳ ص ۴۰۹

و نیز می فرمایند: "بگو هیچ انسانی به مقام واقعی خود نمی رسد مگر با عدل و انصاف و هیچ قدرتی باقی نمی ماند مگر با ایجاد اتحاد و به هیچ سعادت و رفاهی نمی شود نائل گشت مگر با مشورت.

انوار هدایت شماره ۵۷۷

"امور را جزئی و کلی به مشورت قرار دهید برای خویش بدون مشاورت ، در امر مهمی مباشرت ننمائید. در فکر یکدیگر باشید تمشیت امور یکدیگر دهید. غصه یکدیگر خورید. افراد ملت را محتاج مگذارید. معاونت همدیگر کنید تا کُل متحداً متفقاً حکم یک هیكل پیدا کنید"

(ص ۷۳ منتخباتی از آثار مبارکه درباره تعلیم و تربیت)

و نیز می فرمایند:

باید به نوعی مذاکره و مشاوره کرد که اسباب کدورتی و اختلافی فراهم نیاید و آن اینست حین عقد مجلس هر یک به کمال حریت رأی خویش را بیان و کشف برهان نماید. اگر دیگری مقاومت می کند، ابدأ او مکدر نشود، زیرا تا بحث در مسائل نگردد، رأی موافق معلوم نشود و بارقه حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است. در نهایت مذاکره اگر اتفاق آراء حاصل گردد، فنعلم المراد و اگر معاذالله اختلاف حاصل شود، به اکثریت آراء قرار دهند.

منتخباتی از مکاتیب ج ۱ ص ۸۴

و نیز می فرمایند:

"هر یک از یاران باید دیگری را بسیار مدح و ستایش نماید و خود را در حضور سائرین فانی محض شمرد. جمیع مواضع باید در جلسه مورد مشورت قرار گیرد و هر آنچه که رأی اکثریت به آن تعلق گرفت، مجری گردد. قسم به حق بهتر آنست که جمیع در مورد تصمیمی خطا متفق القول گردند تا آنکه در مورد تصمیم صحیح اختلاف آراء یابند. چه که آراء مختلف ممکن که منشاء اختلاف شود و مورث تباهی شود. در حالی که اگر در یک مورد تصمیم خطا اتخاذ شود در صد مورد دیگر تصمیمات صحیح اتخاذ نمایند، و اتفاق و اتحاد محفوظ ماند. این هر نقصی را جبران کند و نهایتاً به اصلاح خطا منتهی گردد.

صلح پایان جنگ نیست ص ۱۴۶

شور از اهمیت بسیار برخوردار است اما مشاورهٔ روحانی، نه فقط بیان نظرات شخصی که مطمح نظر باشد. در فرانسه در یکی از جلسات سنا حضور داشتم اما تجربهٔ حاصله تأثیری نداشت. خط مشی پارلمان باید هدفش وصول به نور حقیقت در مورد مسائلی باشد که بیان می شود نه آنکه میدان نبردی برای مخالفت و بیان عقیده خود فراهم آید. خصومت و مخالفت، تلخ، نامناسب، و همیشه مضر به حال حقیقت است. در جلسهٔ پارلمانی که ذکر شد منازعه و مباحثهٔ بیهوده مکرراً واقع شد نتیجه اکثراً آشفتگی و پریشانی بود حتی در یک مورد مواجهه جسمانی نیز بین دو عضو واقع شد. این مشورت نبود بلکه نمایش مضحک و خنده دار بود. هدف، عبارت از تأکید بر بیان این نکته است که مشورت باید مقصدش تحری حقیقت باشد. نفسی که عقیده ای را ابراز می نماید نباید به نحوی بیان کند که صحیح است و درست، بلکه باید آن را برای کمک به اجماع عام بیان نماید چه که نور حقیقت شعاع ساطع از تصادم افکار است. وقتی که سنگ چخماق با فولاد برخورد کنند، بارقه ای پدید می آید. انسان باید عقایدش را در کمال آرامش، وسکون بسنجد. قبل از بیان عقائدش باید آرائی را که قبلاً دیگران بیان کرده اند به دقت مطمح نظر قرار دهد اگر متوجه شود که نظری که قبلاً ابراز شده صحیحتر و شایسته تر است، باید بلافاصله آن را قبول کند نه آنکه لجوجانه به عقیدهٔ خود متشبث گردد. با این روش عالی او سعی می کند به وحدت و حقیقت نائل گردد. اختلاف و انشقاق مایهٔ تأسف است. در این صورت بهتر آنکه به عقیدهٔ شخصی خردمند و دانا رجوع شود و آنرا منازعه و مجادله واقع شود که در طی آن نظریه های مختلف و متغایر ابراز گردد و لازم خواهد شد که هیأت حکمیه در مورد موضوع اتخاذ تصمیم کند. حتی رأی اکثریت یا اجماع عام ممکن است غلط باشد. هزار نفر ممکن است به عقیده ای متمسک باشند و آن غلط باشد. در حالی که شخص آگاه و دانا ممکن است عقیده اش صحیح باشد. لهذا مشورت صحیح عبارت از تبادل آراء در کمال روحانیت و در جو و حالتی از محبت است. اعضاء باید با روح مودت به یکدیگر محبت داشته باشند تا نتایج حسنه حاصل شود. محبت و شفقت اسّاس است.

(ترجمه خطابه ۲ می ۱۹۱۲) صلح پایان جنگ نیست ص ۱۴۵-۱۴۴

۶- قسمتی از بیانیه رفاه عالم انسانی

آنچه در ایجاد مفهوم جدیدی از سیستم روابط انسانی نقشی اساسی دارد، فرایندی است که حضرت بهاءالله آن را مشورت نامیده اند. توصیه آن حضرت این است که "در جمیع امور مشورت لازم" همچنین می فرمایند: "بلوغ و ظهور خرد به مشورت ظاهر و هویدا" گردد.

معیار حقیقت پژوهی ای که مقتضی این فرایند مشورت است به مراتب بالاتر از الگوهای مذاکره، معامله و مصالحه ای است که معمولاً شاخص گفتگوهای امروزی در امور بشری است. این معیار نه تنها با فرهنگ اعتراض که یکی دیگر از خصوصیات رایج جامعه معاصر است، حاصل نخواهد شد بلکه در واقع دست یابی به آن شدیداً فلج خواهد گشت. جرّو بحث، جنجال و تبلیغات، شیوه ای خصمانه و تمامی ابزارهای حزب گرائی که از دیرباز چهره های آشنای اقدامات جمعی بوده است، برای دست یابی به حقیقت - یعنی به توافق رسیدن در باره حقیقت یک موقعیت و برگزیدن عاقلانه ترین راه عمل از میان گزینه های موجود در هر زمان - اساساً مضرّ است.

آنچه حضرت بهاءالله آن را ضروری می دانند وجود فرایندی مشورتی است که در آن افراد شرکت کننده تلاش می کنند از دیدگاه های شخصی خود فراتر روند تا به عنوان اعضای یک هیئت که دارای منافع و اهداف خاص خودش است، عمل نماید. در چنین جوی که هم صراحت و هم نزاکت از خصوصیات آن است، نظرهایی که در حین مذاکره به فکر یک فرد می رسد به او تعلق ندارد بلکه متعلق به تمامی گروه است که می تواند آن را بپذیرد، رد کند و یا آن را به بهترین وجهی که برای نیل به هدف مورد نظر مناسب است، اصلاح نماید. مشورت به همان میزان موفقیت آمیز خواهد بود که شرکت کنندگان بدون توجه به آرائی که هر یک قبل از ورود به مذاکرات داشته اند از تصمیمات اتخاذ شده پشتیبانی نمایند. تحت چنین شرایطی اگر بر اساس تجربه، نارسائی تصمیمی که قبلاً اتخاذ شده روشن شود، به آسانی می توان آن را مورد تجدید نظر قرار داد.

بیانیه رفاه عالم انسانی ص ۱۱

۷- مشورت بهترین راه ایجاد مشارکت عمومی

بهترین راه ایجاد مشارکت عمومی از طریق مشورت است. اگر در مورد طرحی که در مرحله برنامه ریزی است با مردم مشورت شود و نظریات آنها ملحوظ گردد، در این صورت وقتی طرح به مرحله اجراء در می آید، احتمال بیشتری دارد که آنها در آن مشارکت نمایند. به علاوه اگر مشورت طبق الگوی بهائی صورت گیرد، در این صورت این فرایند مشورت از توان بالقوه برای جذب نفوس و مجتمع ساختن آنها و ازدیاد اتحاد بین آنها برخوردار است و در عین حال تضمین می کند که بهترین نظریه ها از مجموعه دانش و حکمت موجود در جامعه استخراج گردد.

"در جمیع امور به مشورت متمسک شوید چه که اوست سراج هدایت راه نماید و آگاهی عطا کند"

(بیان حضرت بهاءالله در لوح مقصود)

...در آثار بهائی به نفس فرایند مشورت توجه زیادی مبذول شده است. زیرا اجرای مشورت به بهترین صورت مستلزم رشد صفات شخصی مانند خلوص نیت، انقطاع، فروتنی، بردباری، ادب، اعتدال، عدالتخواهی، انصاف و غیره است. شرکت در مشورت به نوبه خود می تواند به رشد این صفات در افراد کمک کند. در اثر رشد این صفات در فرد، کل جامعه تقویت می شود و ارتقاء می یابد.

امر توسعه از نظر امر بهائی (دکتر موژان مرمن)

۸- مشورت به قلم خانم مرضیه گیل

کیت رانسوم کهلر مشورت بهائی را به طریقی فراموش نشدنی و بی پیرایه توضیح می داد. او می گفت مشورت مانند پختن سوپ است. یک نفر نمک می ریزد، دیگری گوشت اضافه می کند سومی سبزی می افزاید و همینطور الی آخر. در پایان شما نه نمک دارید، نه گوشت، نه سبزی بلکه چیز تازه ای دارید که نتیجه تمام آن چیزهایی است که در کنار یکدیگر قرار داده شده است.

در یک مشورت موفق بهائی هر یک از اعضاء از نتیجه حاصله خشنود است یا حداقل از طریقی که مشورت پیش رفته احساس رضایت می کند... به نظر من رازی وجود دارد که سبب می شود مشورت بهائی بسیار آسان شود. باید آن را در مناجات لقاء یافت که در مقام حضرت عبدالبهاء زیارت می کنیم. عبارت خاصی که مد نظر من است "فاجعلنی غُباراً فی مَمَرِ الاحباء" است. معنای تمام این مطلب در واقع اینکه (افراد)... باید به یکدیگر عشق بورزند. اگر مهر نورزند جامعه خود را مسموم خواهند ساخت که در این صورت ضعیفتر از آن خواهد شد که اعضاء جدید جذب کند یا حتی اعضاء قدیم را حفظ نماید.

یکی از احباء در دوران اولیه امر مبارک به عکا رفت و جمال حضرت عبدالبهاء را زیارت نمود. به آن حضرت عرض کرد: "ای کاش می توانستم وجه جمیل شما را با خودم نزد یاران به امریکا ببرم" آن حضرت در کمال لطف و صفا فرمودند: "سیمای من مهر من است، محبت من است. آن را نزد آنها ببر. به آنها بگو که مرا در محبتی که به یکدیگر دارند ببینند.

۱۲- مناجات خاتمه

ای پاک پروردگار، جمعیم اُمّای امر تو، گمنامیم مُنادی به اسم تو؛ از هر نام و نشانی گذشته ایم و از ما سِوایت، دو دیده دوخته. حَبِلِ هر وِلائی را گسسته ایم و به آئین جهان آرایت پیوسته. به امید تأییدات زنده ایم و به وعده جانپوررت، دل بسته. در سبیلت مجاهدیم و قضایایت را شاکر و حامد. پس ای مولای توانا، قوه بازو بنما و ید بیضاء از جیب اقتدار برون آر. قدرت و صولت دیرینه آشکار کن و صفوف اهل شبّهات را در هم شکن. آنچه را خود به ما سپرده ای در آغوش مکرّمّت محافظه نما و به سبیل رضایت دلالت کن. از هر قیدی و دامی برهان و به سرمنزل مقصود برسان. یاران و یاورانت را نصرت ده و برگزیدگانت را تأیید بخش. بر هر مجمعی پرتو هدایت بیفکن و عقد هر مشورتی را به الهامات غیبیه ات، مدد ده تا به یمن و مبارکی این روز فیروز و عصر جهان افروز، خُدّام آستان در ظلّ تعلیمات مقدّسه ات، مشروعات عظیمه ای تأسیس نمایند و منافع عمومیّه ترویج کنند و وحدت جمع اهل بها را محافظه نمایند... توئی مُجیر، توئی دستگیر، توئی بیننده و توئی شنوا. بنده آستانش شوقی